

یادی از ریشه‌ها

یکی از زیبایی‌های دین ما، دستوره‌های بسیار درباره احترام گذاشتن به بزرگ‌ترها و اکرام آن‌ها و فراموش نکردنشان است. تاجایی که رئیس مذهب تشیع، امام‌صادق^(ع)، کسی را که اهل عمل به این دستور نباشد، از خود نمی‌دانند و می‌فرمایند: «لَیسَ مِنّا مَنْ لَمْ یُوَفِّرْ کَیْرَتَا وَ یَرْحَمْ ضَغیرَتَا»، «از ما نیست کسی که به بزرگ‌سالان ما حرمت نهد و با خردسالان ما مهربان نباشد.» (کافی، ج ۲، ص ۱۶۵)

پیامبر خدا^(ص)، اکرام بزرگ‌ترها را مایه امان از عذاب آخرت و ترس آن روز می‌دانند و در روایت زیبایی می‌فرمایند: «مَنْ وَفَّرَ ذَا شَیْئَةٍ فِی الْإِسْلَامِ أَفْتَنَهُ... عَزَّوَجَلَّ مِنْ فَرْعِ یَوْمِ الْقِیَامَةِ.» «هرکس پیروی را که موی خود را در اسلام سپید کرده است حرمت نهد، خداوند از هراس روز قیامت امانش دهد.» (کافی، ج ۴، ص ۶۵۸)

امام‌سجاد^(ع) نیز می‌فرمایند: «حق‌الکبیر توقیره لِسْنَهُ و اجلالُهُ لِتَقْدِمَتِهِ فِی الْإِسْلَامِ»، «حق آن که بزرگ‌تر است، این است که او را به‌خاطر سنش احترام کنی و او را به‌خاطر اینکه بر تودر مسلمانی پیشی داشته است، بزرگ شماری.» (تحف‌العقول، ص ۲۷۰)، البته باید دید مصداق و منظور از این اکرام در احادیث ما چیست؟ آیاهمین است که در زمان حیاتشان، آن‌ها را ناراحت نکنیم و از آن‌ها نگهداری کنیم یا اینکه شامل بعد از مرگ ایشان هم می‌شود؟ آنچه واضح است، ما مرگ را پایان راه نمی‌دانیم، به‌همین دلیل در مورد بزرگ‌ترها نیز مرگ را پایان وظیفه خود درباره آن‌ها قلمداد نمی‌کنیم و می‌دانیم که بعد از وفات پدر و مادر، وظایف ما در برابرشان تمام نمی‌شود. حتی در احادیث داریم که دعای تو وقتی به زیارت قبر مادرت می‌روی، مستجاب می‌شود، چون با همین فراموش نکردن‌ها و یاد کردن‌ها، بزرگ‌تر خود را شاد می‌کنی و همین شادی، موجب شادی خداوند و استجابت دعا‌های تو می‌شود.

پس دستور اسلام درباره اکرام بزرگ‌ترها تنها شامل حیات ایشان نمی‌شود، بلکه پس از مرگ آن‌ها نیز رفتن بر سر مزارشان یا انجام دادن کارهای نیکوبه یادشان، مصداق پیدامی‌کند. نکته مهم دیگر آن است که یاد کردن ریشه‌ها و اصالت‌ها، ما را در اینکه بتوانیم میراث‌دار خوبی برای آن‌ها باشیم، یاری می‌کند، چه‌بسا خوبی‌هایی که با مرگ خوبان از میان ما رخت برمی‌بندد و چه‌بسا فرهنگ‌ها و سنت‌های نیکیی که بزرگ‌ترهای ما برای ایجاد آن‌ها زحمت‌ها کشیده‌اند و ما با فراموش کردنشان، بر تمام آن‌ها گرد فراموشی می‌پراکنیم.

یکی از راهکارهای شناخته‌شده برای اینکه بزرگ‌ترها و ریشه‌های خود و خوبی‌ها و فرهنگ‌های خوب ایشان را فراموش نکنیم، همین سنت پسندیده زیارت گذشتگان و اهل قبور است و چه خوب است که نسل‌های جدیدتر را هم با خودمان ببریم و با دیدن نام‌ها از آن‌ها یاد کنیم و بگوییم و از این فرصت در جهت یادآوری نقص‌ها و اصلاح خویشتن استفاده کنیم. خدای بزرگ به همه ما کمک کند تا بتوانیم حق بزرگ‌ترهای خودمان را به جا بیاوریم و اهل احترام و اکرام و ادامه‌دهنده نیکی‌های ایشان باشیم.

ان‌شاء!...

بردارو بخوان

اخلاق ربانی

عیب‌جویی و سخن‌چینی

«اخلاق ربانی، کتابی چندجلدی از سلسله‌جلسات اخلاقی، عرفان و معارف اسلامی، تأدیپ عقل، نفس، غضب و شهوت است که از درس گفتارهای آیت‌... العظمی مجتبی تهرانی در شرح و بسط این موضوعات جمع‌آوری شده است. مجموعه پیش‌رو درباره چند رذیله مهم و آفت زبان است. عیب‌جویی که بی‌شک یکی از آفات شایع بین مردم زمانه ماست. همین آفت زبان، ممکن است تبدیل به منکر دیگری به نام نقل منکر شود. نقل منکر از گناهانی است که به حیای عمومی ضربه می‌زند. افشای راز و سر، آفت دیگری است که در این مجموعه درباره آن مطالب مهمی را خواهیم آموخت. از بدترین آفات زبان، تمامی یا سخن‌چینی است. آثار تمامی چه در دنیاچه در آخرت، بسیار هولناک است. فساد انداختن بین برادران مؤمن از دیگر آفاتنی است که ضرر آن واضح است. آخرین آفتی که در این مطلب بررسی می‌شود، شماتت است.

سؤالاتی که در این کتاب، پاسخشان را خواهید یافت:

- اقسام عیب‌جویی چیست؟
- چرا نباید عیب دیگری را به خاطر سپرد؟
- چه رابطه‌ای بین عیب‌جویی و نهی از منکر وجود دارد؟
- ریشه‌های عیب‌جویی کدامند؟
- آثار زشت عیب‌جویی چیست؟
- نقل منکر یعنی چه و چه آثار سوئی دارد؟
- پوشاندن عیب چه جایگاهی در دین دارد؟
- چرا راز دیگران را برملا کردن زشت است؟
- نمایی یعنی چه و چه اقسامی دارد؟
- آثار زشت تمامی کدامند؟
- انسان در برابر نام چه وظیفه‌ای دارد؟
- سعایت چیست؟
- افساد بین مؤمنان چه نتایجی دارد؟
- شماتت چیست؟

●

برشی از کتاب:

«یک انسان عاقل، متوجه و آگاه، عیب دیگری را جست‌وجو نمی‌کند، بلکه عیب خودش را جست‌وجو کرده و خودش را اصلاح می‌کند. وقتی به عیب دیگری برخورد می‌کند، یک منشأ برای تذکر اوست. بعدکه متذکر شد، سراغ عیوب خودش می‌رود.

سخن‌چینی، گناهی فراموش‌نشدنی است. کدام طرفش را بگیرم؟ این کار مجمع چندین گناه کبیره می‌شود. گفت:

آنچه خوبان همه دارند، تو تنها داری

اما درباره نیمه بایدگفت:

آنچه بد‌ها همه دارند، تو تنها داری.

افساد بین مؤمنین، ضدیت با خدا و پیغمبر خداست. ضدیت با اهداف الهی است. ضدیت با چیزی است

که انبیای الهی، پیامبران مرسل و شرایع الهی به آن تکیه داشته‌اند. درست‌نقطه مقابل آن حرکت است. وقتی که انسان نمی‌داند آیا این مصیبت، بر اثر گناه است یا نه، اصلاً معنا ندارد که اظهار خرسندی بکند یا بین اثر و عمل رابطه برقرار کند. بدتر از اظهار خرسندی، این است که بین اثر و عمل، رابطه برقرار کند. این شخص، اثر معاصی را نمی‌داند و فقط به کوشش خورده است که معاصی، آثاری زشت دارد.

●

شکر

شهرآبادنی

↓

مهر

نگاهی به آیات و روایات مربوط به طبیعت و رابطه آن با انسان

به فکر آبادانی باش، حتی در پایان دنیا

حمیده ذاکری^۱ توصیه به سفر و گشتن دنیا، فقط توصیه جهانگردان و گردشگران نیست، بلکه یکی از سفارش‌های معروف در روایات اسلامی نیز هست. سفر مسیری است

که ما را به آشنایی و برخورد نزدیک با شگفتی‌های خلقت می‌رساند و می‌تواند بهانه‌ای برای شناخت جهان اطرافمان باشد، شناختی نه‌تنها از مصنوعات دست‌ساز بشر بلکه انس و آشنایی با آنچه خداوند متعال در طبیعت قرار داده است. شاید به همین منظور است که در قرآن کریم، آیات متعددی درباره طبیعت آمده است. در ادامه، آیات و روایات مربوط به طبیعت و رابطه آن با انسان را بررسی می‌کنیم.

🌿 به شگفتی‌های طبیعت، عادت نکنیم

به‌گفته کارشناسان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، هرچند به نکاتی اشاره می‌کنند که پس از قرن‌ها اهمیت و حساسیت آن شناخته شده است. با این حال منظور از ذکر این شگفتی‌ها، تدبیر در دنیای موجودات طبیعی و توجه به نشانه‌های آن در اصل خلقت است. آیات قرآن از این شگفتی‌ها اصل خلقت است. آیات قرآن از این شگفتی‌ها با ما سخن می‌گویند، شگفتی‌هایی که یا ما از آن‌ها بی‌خبریم یا اینکه برایمان عادی شده است، به‌طور مثال تنوع در انواع موجودات، چه آن‌ها که در آب زندگی می‌کنند چه آن‌ها که روی زمین راه می‌روند و چه پرندگانی که در آسمان‌ها پرواز می‌کنند، همگی در آیات قرآن، ذکرشان آمده است و پس از این یادآوری، ما را با این نکته مواجه می‌کنند که خدا هرچه بخواهد، می‌آفریند.

(نور/سوره۲۴، آیه۴۵)

زمینی که در اختیار ماست

زمین و هرچه بر روی آن است، قرن‌هاست که در اختیار انسان‌ها قرار گرفته است و هم‌نوعان ما در دوران‌های مختلف، هریک به‌شکلی برای تسخیر طبیعت تلاش کرده‌اند. در قرآن حکیم نیز به این نکته بسیار پرداخته شده که خداوند متعال، طبیعت را مسخر انسان کرده است. این مفهوم را می‌توانید در سوره‌هایی مانند ابراهیم، نحل، حج و لقمان بیابید. خداوند همچنین در قرآن از رام کردن تمام آسمان‌ها و زمین برای انسان می‌گوید. به‌گفته منابع موجود در قرآن کریم، بیش از ۷۵۰ آیه به‌ظواهر طبیعت اشاره و ابعاد گوناگون جلوه‌ها و زیبایی‌های آن را یادآوری می‌کنند؛ یادآوری‌ای که دربی آن، تدبیر و پندآموزی هم آمده است.

🌿 آنچه خدا اراده کرده است، انجام می‌دهیم

شاید بگویید این ما انسان‌ها هستیم که طبیعت را رام کرده و در اختیار خود گرفته‌ایم. در این باره خداوند در قرآن در سوره‌های متعددی به ما این‌گونه یادآوری می‌کند که خالق همه آنچه بر روی زمین است، خداوند است. در همین زمینه در سوره عبس می‌خوانیم: «پس باید انسان به غذای خود بنگرد. ما آب را آن‌گونه که باید (از آسمان) فروریختیم. سپس زمین را به‌خوبی شکافتیم و در آن، دانه رویاندیم و نیز انگور و سبزیجات و زیتون و نخل خرما و باغ‌های پردرخت و میوه و چراگاه، برای برخورداری شما و چهارپایانتان.» همچنین در این آیات می‌خوانیم: «ما هستیم که آب را از آسمان فروریختیم و ما هستیم که زمین را شکافتیم. آنچه در طبیعت است، از میوه‌ها و سایر خوراکی‌ها و سبزی‌ها و چراگاه‌ها را ما خلق کردیم و در نهایت اینکه هر آنچه شما تولید می‌کنید، تولیدکننده اصلی آن ما هستیم، و... خَلَقْنٰمْ وَ مَا تَغْفُلُونَ» (صافات/۹۶) و همه آنچه انسان از طبیعت از سنگ‌ها و خوراک و... برداشت می‌کند، همه هدیه خداوند است.

🌿 درخت بکار، حتی در پایان زمین

حتما به‌دلیل توجه به آبادی و عمران زمین است که در اسلام به کاشت درخت توجه بسیاری شده است. طبق احادیث، کاشتن درخت به‌منزله صدقه دادن است و تا زمانی که انسان‌ها از آن درخت به‌هر نحوی بهره‌برند، برای کسی که آن را کاشته است، صدقه ثبت می‌شود و یکی از صدقات جاریه‌ای است که انسان بعد از مرگ نیز از آن بهره‌مند می‌شود. در روایتی از پیامبر (ص) آمده است که اگر روز قیامت شد و در دست شما نهالی بود و شما فقط همین قدر فرصت داشتید که آن را بکارید، شایسته است نهال را بکارید. تلاش برای حفظ محیط‌زیست، دیگر وظیفه‌ای است که برای انسان در روایات اسلامی تعریف شده است. امام‌صادق^(ع) در این باره می‌فرمایند: «زندگی بدون محیط‌زیست پاک (هوای پاکیزه، آب فراوان و زمین بارور)، گوارا و شیرین نمی‌شود.»